

Investigating the Foundations of Strategic Convergence of Iraqi Faili Kurds with the Islamic Republic of Iran

Ali Molaie¹

Alireza Rezaei²

Mohammadali Ghasemi Torki³

Type of article: A research paper extracted from the dissertation

Received: 15/07/2025

Accepted: 18/09/2025

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.10/NO.3 (serial 37)/Autumn 2025*5-34



DOI: 10.22034/ssj.2025.1283803.1758

Abstract

Background and aim: This study aims to elucidate the foundations of convergence between Iraqi Faili Kurds and the Islamic Republic of Iran. The primary focus of the study is to explore and analyze the components at cultural, religious, geopolitical, and historical levels that have fostered ties between this ethnic group and Iran's political and social structure, as well as their implications for Iran's national security and regional power.

Method: The research adopts a qualitative approach using thematic analysis. The target population consisted of elites and experts in the fields of Faili Kurdish issues and Iran's national security. Through purposive sampling, 53 individuals were selected until theoretical saturation was achieved, and semi-structured interviews were conducted with them. The validity of the data was assessed through participant review and double coding.

Results: The findings indicate that the core themes of convergence between Faili Kurds and Iran are formed at three prominent levels: the dissemination of the Islamic Revolution's discourse and values, the deepening of religious rituals and ties, and the reproduction of cultural identity through language, traditions, and collective memory. Additionally, the role of this community in enhancing Iran's strategic depth, conducting disruptive operations, facilitating people-to-people diplomacy, and mitigating economic risks in shared oil fields has been established.

Conclusion: The results suggest that the convergence of Faili Kurds with Iran is not limited to cultural or ethnic dimensions but serves as a strategic-security asset in advancing Iran's national interests. This convergence has strengthened Iran's soft power, expanded its cross-border influence, and enhanced its security and economic capabilities in the western region of the country. However, challenges such as regional rivalries, the influence of foreign actors, and border tensions highlight the need for a comprehensive, institutionalized, and forward-looking policy to sustain and develop this strategic bond.

Keywords: Faili Kurds, ethnic-religious convergence, national security, Islamic Republic of Iran.

1-PhD student in Political Science, Iranian Affairs, Islamic Azad University, Hamedan (author responsible), molaieali57@gmail.com

2-Associate Professor Department of International Relations, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran, alirezarezaei@gmail.com

3-Assistant Professor Department of Political Science, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran, ghasemitorki@gmail.com

بررسی زمینه‌های همگرایی راهبردی کردهای فیلی عراق با جمهوری اسلامی ایران

علی مولایی^۱

علیرضا رضایی^۲

محمد علی قاسمی ترکی^۳

نوع مقاله: مقاله پژوهشی مستخرج از رساله دکترا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۷

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/ سال دهم/ شماره ۳ (پیاپی ۳۷) - پاییز ۱۴۰۴* ۳۴-۵



DOI: 10.22034/ssj.2025.1283803.1758

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف تبیین زمینه‌های همگرایی کردهای فیلی عراق با جمهوری اسلامی ایران انجام شده است. تمرکز اصلی مطالعه، کشف و تحلیل مؤلفه‌هایی است که در سطوح فرهنگی، مذهبی، ژئوپلیتیکی و تاریخی، باعث پیوند میان این گروه قومی با ساختار سیاسی و اجتماعی ایران شده و پیامدهای آن بر امنیت ملی، قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را شکل داده‌اند.

روش: پژوهش با رویکرد کیفی و استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد. جامعه هدف شامل نخبگان و صاحب‌نظران حوزه مسائل کردهای فیلی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بود. از طریق نمونه‌گیری هدفمند، ۵۳ نفر تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب و با آن‌ها مصاحبه نیمه ساختارمند انجام شد. اعتبار داده‌ها با استفاده از بازبینی مشارکت‌کنندگان و کدگذاری مضاعف ارزیابی شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مضامین بنیادین همگرایی کردهای فیلی با ایران، در سه سطح برجسته شکل گرفته‌اند: اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن، تعمیق شعائر و پیوندهای مذهبی و بازتولید هویت فرهنگی از طریق زبان، آیین و حافظه جمعی. همچنین، نقش این جامعه در افزایش عمق استراتژیک ایران، اجرای عملیات ایدایی، تسهیل دیپلماسی مردمی و کاهش مخاطرات اقتصادی در میادین نفتی مشترک، به اثبات رسیده است.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق بیانگر آن است که همگرایی کردهای فیلی، فقط در سطحی فرهنگی یا قومی محدود نمی‌ماند، بلکه به‌عنوان یک ظرفیت راهبردی - امنیتی در خدمت منافع ملی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کند. این همگرایی با تقویت قدرت نرم، گسترش نفوذ فرامرزی، و افزایش قابلیت‌های امنیتی و اقتصادی ایران در غرب کشور همراه بوده است. با وجود این، تهدیداتی چون رقابت‌های منطقه‌ای، نفوذ بازیگران خارجی و تنش‌های مرزی، ضرورت طراحی یک سیاست جامع، نهادینه و آینده‌نگر برای حفظ و توسعه این پیوند راهبردی را آشکار می‌کند.

واژگان کلیدی: کردهای فیلی، همگرایی قومی - مذهبی، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران.

۱- دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان (نویسنده مسئول)، molaieali57@gmail.com

۲- دانشیار گروه روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران، alirezarezaei@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، ghasemitorki@gmail.com

مقدمه

در دهه‌های اخیر، تغییرات ژئوپلیتیکی در غرب آسیا و تلاقی منافع بازیگران محلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مرزهای جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در مناطق غربی را به یکی از کانون‌های راهبردی در تحولات منطقه‌ای تبدیل کرده است. در این میان، اقوام مرزنشین و پیوندهای فراملی آنان با داخل کشور، نه تنها از منظر فرهنگی و اجتماعی اهمیت دارند، بلکه در شکل‌گیری یا تقویت همگرایی‌های سیاسی و راهبردی نقش‌آفرین‌اند. جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نظامی مبتنی بر گفتمان فرهنگی - دینی خاص خود، در تعامل با جوامع پیرامونی هم‌ریشه یا هم‌مذهب، فرصت‌هایی برای بسط نفوذ نرم و افزایش عمق اجتماعی - فرهنگی در محیط پیرامونی دارد. در این چارچوب، کردهای فیلی عراق به‌عنوان یک گروه قومی - مذهبی خاص، از جایگاهی متفاوت در این منظومه برخوردارند.

کردهای فیلی یکی از اقلیت‌های تاریخی و ریشه‌دار در عراق‌اند که در مناطق شرقی این کشور، به‌ویژه در استان‌های دیاله، واسط، بغداد و میسان زندگی می‌کنند. ترکیب هویتی آنان، متشکل از قومیت کردی و مذهب تشیع دوازده‌امامی است؛ امری که آنان را هم‌زمان در پیوند با دو کلان‌هویت مهم منطقه‌ای یعنی کردها و شیعیان قرار می‌دهد. این گروه، برخلاف سایر کردهای عراق که عمدتاً سنی‌مذهب هستند، به‌سبب تعلق مذهبی به تشیع، از اشتراکات عقیدتی و مناسکی گسترده‌ای با جامعه ایرانی برخوردار است. این نزدیکی مذهبی، در کنار پیوندهای زبانی، خویشاوندی و تاریخی با استان‌های غربی ایران، زمینه‌ساز شکل‌گیری نوعی «هویت دوگانه مرزی» در میان بخشی از جمعیت فیلی شده است که خود را هم‌زمان بخشی از ملت عراق و در عین حال، دارای وابستگی‌های فرهنگی و اعتقادی با ایران می‌دانند. بسیاری از کردهای فیلی در دهه ۱۹۸۰ میلادی، در پی سیاست‌های عرب‌گرایانه و ضدفیلی حزب بعث عراق، دچار اخراج، مصادره اموال و سلب تابعیت شدند. بخشی از آنان به ایران پناهنده شدند و تجربه هم‌زیستی، پذیرش و ادغام فرهنگی را در استان‌های ایلام و کرمانشاه دارند. این تجربه تاریخی، به همراه

مناسک مشترک مذهبی همچون عزاداری محرم و مراسم اربعین و تعاملات خانوادگی، فرهنگی و حتی اقتصادی، لایه‌هایی از اعتماد متقابل و حس تعلق هویتی میان این قوم و جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. به‌ویژه آن‌که نهادهای دینی و فرهنگی ایرانی نیز در طی این سال‌ها، با گسترش فعالیت‌هایی همچون آموزش دینی، اعزام روحانیون، پوشش رسانه‌ای دو زبانه و حمایت از موبک‌های اربعین، به حفظ و تقویت این پیوند یاری رسانده‌اند.

در ادبیات پژوهشی موجود، تلاش‌هایی برای بررسی هویت فرهنگی، تابعیت حقوقی یا بازنمایی رسانه‌ای کردهای فیلی انجام شده، اما کمتر مطالعه‌ای به‌صورت جامع و نظام‌مند به شناسایی عوامل شکل‌دهنده یا تقویت‌کننده همگرایی راهبردی میان این گروه و جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. خلاء درک ترکیبی از عوامل فرهنگی، مذهبی، تاریخی و ژئوپلیتیکی مؤثر بر این همگرایی، موجب شده است که تصمیم‌گیری در این حوزه، اغلب مقطعی، شخص‌محور یا واکنشی باشد. این وضعیت، در شرایط کنونی که فضای ژئوپلیتیکی عراق در حال بازتعریف است، می‌تواند موجب از دست رفتن فرصت‌های کلیدی در تعامل با این گروه همسو شود. در همین راستا، پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و بر پایه مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با نخبگان فیلی و متخصصان منطقه، در پی آن است که ابعاد مختلف همگرایی راهبردی کردهای فیلی با جمهوری اسلامی ایران را شناسایی و تحلیل کند. پرسش اصلی تحقیق بدین صورت طرح شده است: چه زمینه‌ها و عواملی در تقویت یا شکل‌گیری همگرایی راهبردی کردهای فیلی عراق با جمهوری اسلامی ایران نقش دارند؟

پیشینه

عقابی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «رسانه (شبکه ایلام) و بساخت هویت کردهای فیلی عراق و نقش آن در امنیت ملی ایران» بیان می‌کنند کردهای فیلی، با جمعیتی حدود دو میلیون نفر که از استان ایلام به استان‌های شرقی عراق مهاجرت کرده‌اند، فرصت‌ها و تهدیداتی در مناطق مرزی غرب ایران ایجاد کرده و چالشی امنیتی محسوب می‌شود. رسانه‌های

استانی با تولید برنامه‌های متنوع به زبان محلی، مانند مستندهای تاریخی، معرفی جاذبه‌های گردشگری و آداب‌ورسوم محلی و برقراری ارتباط با کردهای فیلی عراق به‌ویژه در مناسبت‌هایی مانند اربعین، تلاش می‌کنند فاصله ایجاد شده را پر کنند و در برابر هجمه رسانه‌ای سرویس‌های امنیتی بیگانه که از شبکه‌های کردی وابسته پخش می‌شود، امنیت ملی را تضمین کند.

رنجبر و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقی با عنوان «تبیین ژئوپلیتیک نقش رسانه در برساختن هویت کردهای فیلی عراق با ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران» بیان می‌کنند: پژوهش حاضر درصدد تبیین ژئوپلیتیک نقش رسانه در برساختن هویت کردهای فیلی عراق با ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران است و در این راه از مکتب سازه‌نگاری برای بررسی و ارائه فهم و تصور از تشابهات فرهنگی این دو گروه استفاده شده است. باتوجه به موضوع پژوهش بهترین روش تحقیق، روش قوم‌نگاری و تحلیل تاریخی است، اما برای محقق حضور در کشور عراق و قوم‌نگاری کردهای فیلی این کشور، بنا به دلایلی امکان‌پذیر نبوده و نیز به‌دلیل کمبود منابع دراین خصوص، روش تحلیل تاریخی نیز مقدور نبوده است. پس از گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها از کدگذاری توصیفی تفسیری و مضمون فراگیر استفاده شده است. براساس مراحل کدگذاری سه‌گانه تحلیل مضمونی (تحلیل تماتیک) در جواب سؤال‌های پژوهش ۴۱ کد توصیفی و ۸ مضمون تفسیری از مصاحبه‌ها به‌دست‌آمده است. مضامین تفسیری شامل «آیین مراسم ازدواج»، «آیین فرزندآوری»، «رسم عزاداری میت»، «رسم عزاداری امام حسین (ع)»، «آیین‌های اعیاد سبک غذایی»، «سبک نوشتاری و گفتاری و سبک پوشش» است. در ادامه مضامین حول مضمون فراگیر فرهنگ حاصل شدند انتخاب این پدیده به دلیل قدرت جذب سایر مضامین در خود، یکپارچگی سایر مضامین پیرامون آن و برتری نظری آن نسبت به سایر مضامین دارد.

مولایی و همکاران (۱۴۰۱) در تحقیقی با عنوان «کردهای فیلی عراق و محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران» بیان می‌کنند که در نواحی غرب و جنوب غرب کشور (از مرز خسروی تا دشت آزادگان) مردمی با اصالت ایرانی

ساکن هستند که مروج ارزش‌های اسلامی و ایرانی‌اند. این منطقه فرصت‌ها و قابلیت‌هایی دارد، اما تهدیداتی مانند مین‌های باقی‌مانده از جنگ، قاچاق سلاح، حضور نیروهای فراملیتی و آتش‌سوزی‌های مرزی نیز وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد با بسیج این ظرفیت‌ها می‌توان تهدیدات را کاهش داد یا تبدیل به فرصت کرد، اما فقر و بیکاری جمعیت جوان و سرمایه‌گذاری جبهه استکبار ممکن است برخی افراد آسیب‌پذیر را به سمت تهدیدات سوق دهد.

مرادی و بصیرت‌منش (۱۳۹۹) در تحقیقی باعنوان «بررسی عوامل مؤثر در مسئله مند شدن وضعیت تابعیت کردهای فیلی عراق در یکصد سال اخیر» بیان می‌کنند: در دوره حزب بعث نه‌تنها کسب تابعیت عراقی برای کردهای فیلی تقریباً غیرممکن شده بود، بلکه طی چندین دوره پس از سلب تابعیت، به کشور ایران اخراج شدند و از سقوط دولت بعث تاکنون نیز وضعیت خاص تابعیت کردهای فیلی برای آنها مشکل ایجاد کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که از یک سو تبار ایرانی، شیعه، مرزنشین مهاجر بودن بخشی از کردهای فیلی و از سوی دیگر، شکل قانون تابعیت کشور عراق و رشد تفکرات ناسیونالیستی پان عرب، از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر وضعیت تابعیت کردهای فیلی بوده است. ترس دولت بعث از همسویی کردهای فیلی با ایران و همچنین موقعیت مناسب اقتصادی و همکاری سیاسی آن‌ها با احزاب کرد و شیعه مخالف رژیم بعث، از مهم‌ترین عوامل سلب تابعیت و اخراج آن‌ها بود.

مقدم و بصیرت‌منش (۱۳۹۸). در تحقیقی باعنوان «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کردهای فیلی شیعه عراق» بیان می‌کنند: کردهای فیلی، اقلیتی قومی و مذهبی در عراق هستند و با ساکنان استان‌های ایلام و کرمانشاه هم‌تبار هستند. آن‌ها به دلیل پیوندهای نژادی، مذهبی، زبانی و هم‌جواری جغرافیایی در زمره گروه‌هایی بودند که از سه طریق پخش جابه‌جایی، سرایتی و سلسله مراتبی، تحت تأثیر امواج انقلاب اسلامی قرار گرفتند و به مبارزه‌ای سخت با رژیم بعث پرداختند. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که انقلاب اسلامی بر حیات سیاسی و اجتماعی کردهای فیلی تأثیرگذار بوده است و مولفه‌هایی نظیر پذیرش افکار و عقاید انقلاب اسلامی، خودآگاهی مذهبی و تشکیل جنبش‌های

اسلامی کرد فیلی، از ابعاد این تأثیرگذاری هستند. اما از سوی دیگر، عملکرد موانع پخش که شامل طیف وسیعی از سیاست‌های منفی حکومت عراق در برخورد با کردهای فیلی می‌شد، خشونت‌های بی سابقه‌ای نظیر سلب تابعیت، اخراج گسترده، مصادره اموال و کشتار دسته جمعی کردهای فیلی را به دنبال داشت و آثار و پیامدهای آن بر وضعیت این اقلیت قومی تاکنون ادامه دارد.

کاظمی و عزیزی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «تحلیلی از وضعیت کردهای شیعه فیلی در عراق» بیان می‌کنند: کردهای فیلی، گروهی از کردهای شیعه ایرانی تبار ساکن عراق هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که اگرچه کردهای فیلی تلاش می‌کنند تا ضمن بازیابی هویت خود، به عنوان شهروندان این کشور، مانند سایر گروه‌ها و قومیت‌های عراقی در ساختار سیاسی اجتماعی کشورشان نقش مؤثری را ایفا کنند، هنوز محرومیت‌های تحمیل شده به این گروه در دوران حاکمیت بعثی، به طور کامل از بین نرفته‌اند.

عبدالحسین شعبان (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «الکرد الفیلیون: اشکالیه المواطنة و الجنسية فی ضوء القانونین العراقي» به تحلیل مسئله تابعیت و شهروندی کردهای فیلی در عراق پرداخته و آن را در چارچوب حقوق بشر بررسی کرده است. وی با اشاره به دو محور اصلی یعنی «ملیت» و «شهروندی»، چگونگی هم‌پوشانی این مسائل با اصول جهانی حقوق بشر را مورد مطالعه قرار داده است. تحلیل او شکاف‌ها و ناسازگاری‌های موجود در نظام قانونی عراق را با موازین بین‌المللی آشکار می‌سازد و پیشنهاداتی برای اصلاحات حقوقی و سیاستی ارائه می‌دهد که در راستای تضمین حقوق کردهای فیلی، به ویژه شفاف‌سازی در قوانین تابعیت و شهروندی است. همچنین، تأکید شده که این مسئله فراتر از بُعد حقوقی، بر انسجام اجتماعی و هویت‌یابی فرهنگی این گروه نیز تأثیرگذار است.

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که اغلب مطالعات پیشین در زمینه کردهای فیلی، به بررسی ابعاد رسانه‌ای، هویتی، حقوقی یا تاریخی این گروه پرداخته‌اند و نگاه تک‌بعدی یا موردی به رابطه آن‌ها با ایران داشته‌اند. برخی پژوهش‌ها مانند کارهای عقابی، رنجبر و مولایی بیشتر بر نقش رسانه یا توصیف

فرصت‌های مرزی متمرکز بوده‌اند، در حالی که پژوهش‌هایی نظیر شعبان، مرادی و کاظمی تمرکز خود را بر چالش‌های حقوقی و محرومیت‌های اجتماعی این گروه در عراق معطوف کرده‌اند. در این میان، خلاء آشکاری در بررسی چندبعدی، جامع و میدانی عوامل مؤثر بر همگرایی کردهای فیلی با جمهوری اسلامی ایران به چشم می‌خورد؛ به‌ویژه در زمینه تحلیل میدانی، داده‌محور و مبتنی بر چارچوب نظری سازه‌نگاری که بتواند ابعاد فرهنگی، مذهبی، تاریخی، سیاسی و امنیتی را به‌طور هم‌زمان پوشش دهد.

مبانی نظری

نظریه سازه‌نگاری به‌عنوان یکی از رویکردهای مهم در روابط بین‌الملل، از دهه ۱۹۸۰ به بعد و به‌ویژه پس از پایان جنگ سرد، اهمیت ویژه‌ای یافت و توانست جایگاهی متمایز در تحلیل پدیده‌های بین‌المللی پیدا کند. این نظریه برخلاف رویکردهای مسلطی همچون واقع‌گرایی و نهادگرایی لیبرال که تأکید اصلی خود را بر عوامل مادی و ساختاری قرار می‌دهند، بر این اصل اساسی استوار است که هویت‌ها، هنجارها و ایده‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری واقعیت بین‌المللی دارند (ناگروهو^۱، ۲۰۰۸). انتخاب سازه‌نگاری به‌عنوان چهارچوب نظری در پژوهش حاضر ناشی از آن است که موضوع تحقیق نیازمند تحلیل و واکاوی نقش برداشت‌ها، گفتمان‌ها و فرآیندهای اجتماعی، در شکل‌دهی به سیاست خارجی و روابط بین‌الملل است؛ جایی که عوامل غیرمادی به اندازه متغیرهای مادی و ساختاری اهمیت می‌یابند. این رویکرد بر مبنای ساخت‌گرایی اجتماعی در علوم اجتماعی شکل گرفته و بر نقش تعاملات انسانی در خلق مفاهیم، هویت‌ها و حتی منافع تأکید دارد (فرج و اوتمان^۲، ۲۰۱۹). به‌لحاظ سطح هستی‌شناسی، سازه‌نگاری این فرض را رد می‌کند که واقعیت سیاسی مستقل از ادراکات و تفاسیر بازیگران وجود دارد، بلکه آن را محصول تعاملات و بازنمایی‌های مشترک می‌داند. از منظر معرفت‌شناسی نیز این رویکرد نه به‌صورت کامل اثبات‌گرا و نه فقط تفسیری

1- Nugroho

2- Faraj & Othman

است، بلکه در پی ترکیب رویکردهای کمی و کیفی برای توضیح و پیش‌بینی پدیده‌ها در عین توجه به معانی و هنجارهای شکل‌دهنده آن‌هاست (هوف^۱، ۱۹۹۸). در چارچوب این نظریه، هویت‌ها عنصر محوری در تعیین منافع و رفتار بازیگران بین‌المللی هستند. هویت یک دولت در طول زمان و براساس تجربه‌های تاریخی، فرهنگ سیاسی و تعاملات با دیگران ساخته می‌شود و می‌تواند در پاسخ به تغییر شرایط دچار تحول شود (می^۲، ۲۰۱۰). هنجارها نیز که به‌عنوان قواعد و انتظارات مشترک پذیرفته‌شده میان بازیگران تعریف می‌شوند، از طریق فرآیندهای اجتماعی شکل می‌گیرند و بر رفتار دولت‌ها تأثیر می‌گذارند (برونی و توپ^۳، ۲۰۱۲). علاوه بر این، بیان ذهنیت یا ادراکات مشترک نیز نقشی کلیدی در این چارچوب دارد، چرا که برداشتها و باورهای مشترک میان بازیگران به ایجاد و بازتولید معانی و تفسیرهای خاص از واقعیت بین‌المللی کمک می‌کند (چارسکیخ^۴، ۲۰۲۲). براین اساس، سازه‌انگاری معتقد است که آنا‌رشی بین‌المللی به‌خودی‌خود تهدیدآمیز یا همکاری‌جوپانه نیست، بلکه معنایی است که دولت‌ها بر اساس تعاملات تاریخی و فرهنگ سیاسی خود به آن می‌دهند (جی^۵، ۲۰۰۲). به همین دلیل، تغییر در گفتمان، ارزش‌ها یا برداشتها جمع می‌تواند تغییرات عمده‌ای در سیاست خارجی و نظام بین‌الملل ایجاد کند. نمونه‌ای روشن از این امر در روابط چین و آمریکا مشاهده می‌شود که بخش مهمی از تعارضات میان دو کشور ناشی از برداشتها متفاوت هویتی و فرهنگی است، نه فقط از طریق موازنه قدرت میان آن‌ها (تانگ^۶، ۲۰۰۵). با وجود مزایای نظریه سازه‌انگاری، منتقدان نیز به آن ایراداتی وارد کرده‌اند؛ از جمله ابهام مفهومی در برخی مفاهیم کلیدی که آزمون تجربی دقیق آن‌ها را دشوار می‌کند (چارسکیخ^۴، ۲۰۲۲). وابستگی زیاد به تفسیرهای کیفی که پیش‌بینی دقیق رفتار دولت‌ها را محدود می‌کند (هوف^۷، ۱۹۹۸). و

1- Hopf

2 - Me

3- Brunnée & Toope

4- Charskykh

5- Ji

6- Tong

7- Hopf

هم‌پوشانی نتایج آن با یافته‌های دیگر نظریه‌ها همچون نهادگرایی لیبرال. با این حال، این نظریه توانسته خلاءهای رویکردهای کلاسیک را پر کند و بستری فراهم آورد که در آن نقش عوامل غیرمادی همچون ایده‌ها، هنجارها و هویت‌ها در تحلیل روابط بین‌الملل به‌طور جدی بررسی شود. در پژوهش حاضر، سازه‌انگاری به این دلیل انتخاب شده است که امکان می‌دهد علاوه بر بررسی متغیرهای مادی، تأثیر ساختارهای معنایی و اجتماعی بر روابط بین‌الملل واکاوی شود و چگونگی شکل‌گیری منافع و رفتار بازیگران در بستر تعاملات و گفتمان‌ها مورد تحلیل قرار گیرد.

روش

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و مبتنی بر تحلیل مضمون انجام شده است. باتوجه به ماهیت پدیده مورد مطالعه، که در قالب تعاملات اجتماعی، تجربه‌های زیسته، و برداشت‌های ذهنی نخبگان شکل می‌گیرد، چارچوب نظری تحقیق بر پایه پارادایم سازه‌انگاری قرار دارد. هدف اصلی پژوهش، شناسایی و تبیین مهم‌ترین فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی همگرایی کردهای فیلی عراق با جمهوری اسلامی ایران از منظر نخبگان آگاه و متخصص در این حوزه بوده است. برای دستیابی به این هدف، از روش تحلیل مضمون استفاده شد که به پژوهشگر این امکان را می‌دهد تا از طریق کدگذاری، طبقه‌بندی و تفسیر داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها، به مضامین بنیادین پنهان در گفته‌های مشارکت‌کنندگان دست یابد. تحلیل مضمون به‌عنوان یک رویکرد روش‌مند، به کشف الگوهای معنادار درون داده‌ها کمک کرده و فرصت آن را فراهم می‌کند تا زمینه‌های همگرایی، عوامل مؤثر بر آن، و موانع و تهدیدهای موجود از دل تجربیات، باورها و تفسیرهای نخبگان استخراج شود. در همین راستا، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمند با ۵۳ نفر از نخبگان و مطلعان حوزه‌های مرتبط با کردهای فیلی، روابط ایران و عراق، مطالعات امنیتی و سیاست قومی گردآوری شد. مشارکت‌کنندگان به‌صورت هدفمند انتخاب شده و فرایند نمونه‌گیری تا اشباع نظری ادامه یافت. پرسش‌های مصاحبه به‌گونه‌ای طراحی شده بود که امکان کشف فرصت‌ها و چالش‌ها از منظر فرهنگی، مذهبی،

تاریخی، ژئوپلیتیکی و امنیتی فراهم شود. پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، داده‌ها طی یک فرایند شش مرحله‌ای براساس الگوی براون و کلارک (۲۰۰۶) تحلیل شدند. در نهایت، مضامین اصلی و فرعی استخراج شدند که در قالب «فرصت‌های راهبردی» و «چالش‌ها و تهدیدهای ساختاری» دسته‌بندی شدند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: پیش از تحلیل محتوای کیفی داده‌ها و استخراج مضامین اصلی، لازم است ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ارائه شود. ویژگی‌های توصیفی شامل سه متغیر اصلی «سطح تحصیلات»، «نوع شغل» و «سابقه فعالیت تخصصی» در جدول شماره ۱ ارائه شده است. در مجموع ۵۳ نفر از نخبگان و مطلعان حوزه‌های مربوط به کردهای فیلی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مصاحبه‌ها شرکت کرده‌اند.

به لحاظ سطح تحصیلات، بخش عمده‌ای از مشارکت‌کنندگان دارای مدارک عالی دانشگاهی بوده‌اند. به‌طور مشخص، ۲۶ نفر دارای مدرک دکتری تخصصی، ۳ نفر دانشجوی دکتری، و ۲۴ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد بوده‌اند. ترکیب آموزشی نشان می‌دهد که حدود ۵۵ درصد از مشارکت‌کنندگان در سطح دکتری یا در آستانه اتمام آن بوده و در نتیجه، از نظر توان علمی و قدرت تحلیل موضوعات راهبردی، در وضعیت مطلوبی قرار داشته‌اند. از حیث نوع اشتغال، ۲۱ نفر از مشارکت‌کنندگان عضو هیئت علمی دانشگاه بودند که در رشته‌هایی نظیر علوم سیاسی، مطالعات منطقه‌ای، جامعه‌شناسی، جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل فعالیت می‌کردند. همچنین، ۲۸ نفر به‌عنوان «کارمند» در نهادهای اجرایی، دولتی یا پژوهشی مشغول به کار بوده‌اند که برخی از آن‌ها سابقه طولانی در حوزه سیاست‌گذاری یا امنیت مناطق مرزی داشتند. علاوه بر این، ۲ نفر از مشارکت‌کنندگان معلم بودند، ۱ نفر به‌صورت آزاد فعالیت می‌کرد و یک نفر نیز به‌عنوان دانشجوی کارشناسی ارشد معرفی شد. از نظر سابقه خدمت و فعالیت حرفه‌ای، مشارکت‌کنندگان دارای دامنه‌ای متنوع از تجربه بودند؛ به‌گونه‌ای که بیشترین سابقه خدمت در میان آن‌ها ۴۵

سال و کمترین آن ۱۵ سال گزارش شده است. میانگین سابقه فعالیت کلی مشارکت‌کنندگان حدود ۲۶/۵ سال برآورد می‌شود که نشان‌دهنده تجربه قابل‌توجه افراد در حوزه‌های مورد مطالعه است. تنوع تجربیات این افراد به پژوهش کمک کرده است تا مسئله همگرایی کردهای فیلی عراق با جمهوری اسلامی ایران نه تنها از منظر دانشگاهی، بلکه از دیدگاه سیاست‌گذاران میدانی و فعالان محلی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

جدول ۱: تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

کد مشارکت‌کننده	تحصیلات	شغل	سابقه خدمت	کد مشارکت‌کننده	تحصیلات	شغل	سابقه خدمت
P1	دکتری	کارمند	۴۵	P28	ارشد	کارمند	۱۵
P2	دکتری	کارمند	۳۷	P29	ارشد	کارمند	۲۵
P3	دکتری	کارمند	۳۵	P30	ارشد	کارمند	۱۵
P4	دکتری	کارمند	۳۴	P31	ارشد	کارمند	۲۵
P5	دانشجوی دکتری	کارمند	۲۸	P32	دکتری	کارمند	۲۸
P6	دانشجوی دکتری	کارمند	۲۷	P33	ارشد	کارمند	۲۶
P7	ارشد	کارمند	۲۹	P34	دکتری	استاد دانشگاه	۳۰
P8	ارشد	کارمند	۳۰	P35	ارشد	کارمند	۲۵
P9	دکتری	استاد دانشگاه	۲۹	P36	دکتری	استاد دانشگاه	۳۰
P10	ارشد	آزاد	۲۷	P37	ارشد	دانشجو	۲۷
P11	دانشجوی دکتری	معلم	۲۵	P38	دکتری	استاد دانشگاه	۲۵
P12	دکتری	کارمند	۲۸	P39	دکتری	استاد دانشگاه	۲۹
P13	ارشد	معلم	۲۴	P40	ارشد	کارمند	۲۷
P14	ارشد	کارمند	۳۳	P41	دکتری	کارمند	۲۶
P15	دکتری	استاد دانشگاه	۲۲	P42	دکتری	استاد دانشگاه	۲۸
P16	دکتری	استاد دانشگاه	۲۳	P43	دکتری	استاد دانشگاه	۳۰
P17	دکتری	کارمند	۲۰	P44	دکتری	استاد دانشگاه	۲۴
P18	دکتری	استاد دانشگاه	۳۰	P45	دکتری	استاد دانشگاه	۲۵

کد مشارکت‌کننده	تحصیلات	شغل	سابقه خدمت	کد مشارکت‌کننده	تحصیلات	شغل	سابقه خدمت
P19	دکتری	استاد دانشگاه	۱۹	P46	ارشد	کارمند	۲۳
P20	ارشد	کارمند	۱۸	P47	ارشد	کارمند	۲۸
P21	دکتری	استاد دانشگاه	۳۱	P48	ارشد	کارمند	۳۰
P22	دکتری	کارمند	۲۰	P49	ارشد	کارمند	۲۰
P23	دکتری	کارمند	۲۲	P50	ارشد	کارمند	۳۱
P24	دکتری	کارمند	۲۶	P51	ارشد	کارمند	۲۳
P25	دکتری	استاد دانشگاه	۲۸	P52	ارشد	کارمند	۳۶
P26	دکتری	استاد دانشگاه	۲۵	P53	ارشد	کارمند	۱۹
P27	ارشد	کارمند	۲۹				

یافته‌های تحلیلی: در این بخش، به‌منظور استخراج چارچوب تحلیلی تحقیق، از روش تحلیل مضمون سه‌سطحی استفاده شد. بدین ترتیب، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها پس از اتمام هر جلسه، به‌صورت کامل پیاده‌سازی و سپس توسط خبرگان آشنا با موضوع تحقیق و فنون کدگذاری، در سطح اول (مضامین پایه) کدگذاری شدند. این فرایند تا جایی ادامه یافت که تیم کدگذاران در مصاحبه پنجاه‌وسوم به اشباع نظری دست یافتند و اطمینان حاصل شد که مصاحبه‌های جدید، داده‌ی تازه و معناداری به پژوهش اضافه نخواهد کرد. پس از تکمیل مرحله کدگذاری اولیه، کدهای استخراج‌شده با بررسی دقیق، در قالب مضامین سازمان‌دهنده گروه‌بندی شدند تا ارتباطات درونی میان داده‌ها و ساختار مفهومی تحقیق روشن‌تر شود. در گام بعد، با تجمیع و انتزاع مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر شناسایی گردیدند که بیانگر ساختار کلان همگرایی کردهای فیلی با جمهوری اسلامی ایران بودند. این فرایند، ضمن حفظ وفاداری به داده‌های خام، امکان طراحی الگوی مفهومی نهایی پژوهش و تبیین ابعاد مختلف همگرایی را فراهم کرد. در جدول شماره ۲ فرآیند تلخیص و طبقه‌بندی مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر به همراه کدهای مصاحبه‌شوندگان مربوط به هر مضمون ارائه شده است که نشان‌دهنده مشارکت طیف متنوعی از پاسخ‌گویان و هم‌پوشانی دیدگاه‌ها در مضامین مختلف است.

جدول ۲. مضامین پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد مصاحبه‌شوندگان
همگرایی فکری - ایدئولوژیک	اشاعه ایدئولوژی انقلاب اسلامی	فعالیت نخبگان فیلی در اشاعه مفاهیم انقلاب اسلامی	P12, P25, P19, P43, P15, P20
		ترجمه مفاهیم انقلابی به زبان مردم عراق	P12, P25, P27, P34, P48
		ایجاد حلقه‌های فرهنگی و محافل مذهبی با الهام از ایران	P19, P43, P41, P1, P2, P37
		حمایت از جنبش‌های شیعی عراق در دهه ۱۹۸۰	P25, P19, P12, P38, P39
		مقاومت فرهنگی در برابر رژیم بعث	P43, P41, P22, P53
		ارتباط ایدئولوژیک با حوزه‌های علمیه ایران	P18, P26, P40, P33, P50
همگرایی اعتقادی - مذهبی	تقویت و ترویج مذهب تشیع	پایبندی تاریخی به شعائر شیعی	P26, P40, P47, P8, P9, P49
		ارتباط مستمر با حوزه نجف و قم	P33, P26, P22, P24
		برگزاری مجالس روضه و حسینیه‌های مخفی در دوره صدام	P40, P33, P18, P10, P51
		آموزش معارف شیعی به نسل جوان	P21, P30, P38, P47, P52
		پیوند مرجعیت مشترک ایران و فیلی‌ها	P38, P47, P26, P3, P4
		تقویت انسجام مذهبی در مناطق مرزی	P47, P30, P40, P23
	اشاعه هویت اسلامی و گسترش شعائر	مشارکت فعال در آیین‌های عاشورا و اربعین	P11, P13, P14, P16, P19, P25, P44
		تأسیس حسینیه‌ها و تکایا	P32, P41, P27, P5, P42
		انتقال ارزش‌های اهل‌بیت به نسل‌های بعد	P25, P19, P44, P7
		استفاده از مناسک مذهبی برای انسجام اجتماعی	P17, P29, P36
		مقاومت فرهنگی از طریق شعائر	P29, P36, P41
		نقش طلاب فیلی تحصیل‌کرده ایران در تبلیغ شعائر	P33, P26, P41
	تعمیق روابط اجتماعی - فرهنگی	مهاجرت نخبگان فیلی به ایران در جنگ	P31, P40, P45, P6
		ازدواج‌های برون‌مرزی بین فیلی‌ها و ایرانیان	P36, P47, P18
		اعزام طلاب فیلی به حوزه‌های ایران	P45, P31, P40, P48
		کمک‌های انسان‌دوستانه ایران به فیلی‌ها	P7, P12, P35, P22, P50
		روابط خانوادگی گسترده دو سوی مرز	P28, P41, P22
		اشتراکات فرهنگی و زبانی فیلی‌ها و ایران	P41, P22, P35, P53
افزایش استراتژیک اقتصادی	همکاری اقتصادی - انرژی	کنترل و مدیریت میادین نفتی مشترک	P12, P25, P19, P43, P15, P49
		توسعه زیرساخت‌های انرژی در مناطق فیلی‌نشین	P12, P25, P27, P34, P51
		اشتغال‌زایی از طریق پروژه‌های مشترک نفت و گاز	P19, P43, P41, P23
		قراردادهای پایدار صادرات نفت و گاز	P25, P19, P12, P38, P37
		امنیت خطوط انتقال انرژی	P43, P41, P22, P42
		مشارکت فیلی‌ها در حفاظت از منابع مشترک	P18, P26, P40, P33, P24

کد مصاحبه‌شوندگان	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
P26, P40, P47, P39	سفر هیئت‌های فیلی به ایران	سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
P33, P26, P22, P52	شرکت در همایش‌های فرهنگی مشترک		
P40, P33, P18, P20	شبکه‌سازی میان فعالان فیلی و ایرانی		
P21, P30, P38, P47, P48	نقش زنان فیلی در پیوندهای مردمی		
P38, P47, P26, P49	تبادل فرهنگی از طریق رسانه‌ها		
P47, P30, P40, P53	حمایت فیلی‌ها از سیاست‌های منطقه‌ای ایران		

پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها، تحلیل اولیه در قالب کدگذاری سطح اول صورت گرفت و در این مرحله، ۲۴ کد پایه توسط کدگذاران استخراج و مورد تأیید قرار گرفت. باتوجه به حجم بالای کدهای به‌دست‌آمده، ارائه تحلیل کاربردی بر مبنای این حجم داده ممکن نبود؛ بنابراین، در گام بعدی و با بهره‌گیری از روش تلفیق و تجمیع معنایی، کدهای پایه براساس ارتباط مفهومی در سطح دوم تحلیل، به کدهای سازمان‌دهنده تبدیل شدند.

در این فرآیند، کدهای پایه‌ای که اشتراک معنایی یا هم‌پوشانی محتوایی داشتند، در قالب مضامین سازمان‌دهنده طبقه‌بندی شدند و در نهایت، هشت مضمون سازمان‌دهنده اصلی استخراج شد. این مضامین عبارت‌اند از:

۱. اشاعه ایدئولوژی انقلاب اسلامی؛
۲. تقویت و ترویج مذهب تشیع؛
۳. اشاعه هویت اسلامی و گسترش شعائر آن؛
۴. افزایش عمق استراتژیک و توان عملیات‌آیدایی برای دشمن؛
۵. عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی؛
۶. میادین نفتی مشترک؛
۷. دیپلماسی مردمی.

در ادامه، هر یک از این مضامین سازمان‌دهنده بر اساس کدهای پایه مرتبط، همراه با استناد به مصاحبه‌شوندگان و مثال‌های عینی از داده‌ها، تبیین و تحلیل شده است. این طبقه‌بندی به شناسایی و درک دقیق‌تر ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر در همگرایی کردهای فیلی با جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند.

۱. اشاعه ایدئولوژی انقلاب اسلامی: مضمون اول «اشاعه ایدئولوژی انقلاب

اسلامی» است که در این خصوص، نظر مصاحبه‌شوندگان شماره P12، P25، P19 و P43 از این قرار است: «یکی از عوامل مهم همگرایی فکری و فرهنگی کردهای فیلی با جمهوری اسلامی ایران، نفوذ و بازتاب گسترده اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی در میان این جامعه بوده است. مفاهیمی همچون عدالت اجتماعی، نفی استبداد، حمایت از مستضعفان، ولایت فقیه و مقاومت، از نخستین سال‌های پیروزی انقلاب به‌صورت آشکار در گفتمان دینی و سیاسی نخبگان فیلی انعکاس یافته و در فضای فرهنگی آنان جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است». به‌گفته مصاحبه‌شونده P12، برخی از علمای فیلی با نگارش کتاب، برگزاری نشست‌های فکری و سخنرانی‌های دینی، توانسته‌اند اصول فکری انقلاب را برای جامعه شیعه عراق تبیین و بومی‌سازی کنند. مشارکت‌کننده P25 نیز بر این باور است که «جنبش‌های سیاسی شیعه عراق در دهه ۱۹۸۰ میلادی، تحت تأثیر مستقیم انقلاب ایران شکل گرفت و نخبگان فیلی در شهرهایی چون بغداد، واسط و دیاله، این مفاهیم را به زبان مردم ترجمه کردند و بستری برای ظهور جریان‌های اسلامی ایجاد کردند». در تبیین این مضمون می‌توان چنین نتیجه گرفت که اشاعه ایدئولوژی انقلاب اسلامی در میان کردهای فیلی، فقط یک فرایند تبلیغاتی یا مناسکی نبوده، بلکه نوعی کنش فکری-اجتماعی سازمان‌یافته محسوب می‌شده است که هم آگاهی سیاسی و دینی جامعه فیلی را ارتقاء داده و هم پیوند ایدئولوژیک آنان با جمهوری اسلامی ایران را تقویت کرده است. همین پیوند، به‌گفته مصاحبه‌شونده P19، رژیم بعث عراق را به واکنش شدید واداشت و فشارهای امنیتی و اخراج‌های گسترده را علیه این جامعه رقم زد. مشارکت‌کننده P43 نیز با اشاره به تجربه شخصی خانواده خود، فضای رعب و سرکوب آن دوران را چنین توصیف می‌کند: «در خانه هم جرئت نداشتیم به زبان کردی یا درباره ایران صحبت کنیم؛ حتی پدرم هشدار می‌داد که مراقب باش در خواب هم نام ایران را بر زبان نیاوری».

۲. تقویت و ترویج مذهب تشیع: مضمون دوم «تقویت و ترویج مذهب تشیع»

است که در این خصوص، نظر مصاحبه‌شوندگان شماره P18، P26، P40 و P33 از این قرار است: «هویت مذهبی شیعی کردهای فیلی، نه‌تنها یک مؤلفه اعتقادی، بلکه یک رکن بنیادین در شکل‌گیری پیوندهای عمیق این جامعه با جمهوری اسلامی ایران بوده

است. کردهای فیلی به‌عنوان بخشی از پیکره شیعه عراق، همواره در خط مقدم حفظ و گسترش معارف مکتب اهل بیت (ع) قرار داشته‌اند و حتی در دوره‌های سرکوب و فشار، از این مسیر فاصله نگرفته‌اند». به‌گفته مشارکت‌کننده P18، «در زمان صدام، برگزاری نماز جماعت برای بسیاری از شیعیان پرمخاطره بود، اما علما و بزرگان فیلی در بغداد و دیاله، مخفیانه حسینیه‌ها و مجالس روضه را زنده نگه می‌داشتند. همه می‌دانستند که فیلی‌ها برای مذهب ایستاده‌اند».

این پیوند اعتقادی، علاوه بر سطح فردی، در سطح نهادی نیز خود را نشان داده است. نخبگان مذهبی فیلی با تأسیس حوزه‌های علمیه، مساجد و حسینیه‌ها در شهرهایی چون بדרه، مندلی و عماره و حتی در مهاجرت به ایران، نقش مهمی در آموزش معارف شیعی و انتقال آن به نسل‌های بعدی ایفا کرده‌اند. مشارکت‌کننده P26 در این باره می‌گوید: «از گذشته، ارتباط فیلی‌ها با حوزه نجف بسیار گسترده بود؛ علمایی از نجف به روستاهای فیلی‌نشین می‌آمدند و کلاس تفسیر و عقاید برگزار می‌کردند. بعدها که حوزه قم مطرح شد، طلاب فیلی به قم رفتند و پس از تحصیل، برای آموزش به جامعه خود بازگشتند». کنش‌گری مذهبی کردهای فیلی صرفاً محدود به محیط‌های رسمی نبوده است. حضور فعال آنان در آیین‌های بزرگ مذهبی مانند عاشورا، پیاده‌روی اربعین، روضه‌خوانی و تعزیه، از عوامل مهم نهادینه‌شدن معارف شیعی در این جامعه بوده است. مشارکت‌کننده P40 تأکید می‌کند: «در هر مراسم دینی، از کوچک‌ترین روستا تا قلب بغداد، فیلی‌ها در صف اول‌اند. از اربعین و نیمه‌شعبان تا لیالی قدر، همیشه پرچم و بیرق دارند، حتی در زمان حکومت‌های سنی».

در تبیین این مضمون می‌توان گفت که پایداری تاریخی کردهای فیلی به مذهب تشیع، انسجام درونی این جامعه را تقویت کرده و در عین حال، زمینه تعامل سازنده با نهادهای مذهبی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورده است. پیوند با مرجعیت شیعه، به‌ویژه حوزه‌های علمیه نجف، قم و کربلا، در سخنان بسیاری از مصاحبه‌شوندگان تکرار شده است. مشارکت‌کننده P33 این ارتباط را چنین توصیف می‌کند: «مرجع تقلید ما با مرجع تقلید شما یکی

است. آنچه در قم گفته می‌شود، در دیاله اجرا می‌شود. ما از قدیم زیر بیرق مراجع بودیم، نه حزب و سیاست». چنین سطحی از همبستگی اعتقادی، به‌ویژه پس از سقوط رژیم بعث، فرصت‌های تازه‌ای برای همکاری‌های فرهنگی، آموزشی و حتی سیاسی میان کردهای فیلی و نهادهای مذهبی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است.

۳. اشاعه هویت اسلامی و گسترش شعائر آن: مضمون سوم «اشاعه هویت اسلامی و گسترش شعائر آن» است که در این خصوص، نظر مصاحبه‌شوندگان شماره P21، P30، P38 و P47 از این قرار است: «کردهای فیلی به‌عنوان یک گروه قومی-مذهبی، نه‌تنها در باور دینی خود استوار بوده‌اند، بلکه در عرصه شعائر مذهبی شیعی نیز حضوری فعال، هدفمند و سازمان‌یافته داشته‌اند. این جامعه از دیرباز با شرکت گسترده در آیین‌هایی همچون عاشورا، اربعین، لیالی قدر، نیمه‌شعبان و سایر مناسبت‌های اهل‌بیت (ع)، هویت مذهبی خود را تثبیت و بازتولید کرده است». مشارکت‌کننده P21 می‌گوید: «از هر شهری که بروید، اگر مراسم مذهبی هست، همیشه بین جمعیت، فیلی‌ها را می‌بینید. علم، بیرق، روضه، نذر و مانند آن‌ها همه چیز را با اخلاص انجام می‌دهند. این فقط مراسم نیست، بخشی از هویت آن‌هاست». پایبندی به شعائر اسلامی در میان کردهای فیلی، علاوه بر بُعد فردی و احساسی، به یک بستر نهادی پایدار تبدیل شده است. آنان با تأسیس حسینیه‌ها، تکایا و مراکز دینی در شهرهایی مانند بغداد، خانقین، بدره، مندلی و دیاله، فضاهایی فراهم آورده‌اند که نه‌تنها محل برگزاری عزاداری و آیین‌های مذهبی، بلکه مراکز چندمنظوره‌ای برای آموزش معارف قرآن، تفسیر، عقاید، پاسخ به مسائل شرعی، ایجاد همبستگی اجتماعی و تربیت نسل جوان براساس آموزه‌های مکتب اهل‌بیت (ع) به‌شمار می‌آید. مشارکت‌کننده P30 در این باره می‌گوید: «حسینیه‌های ما فقط برای محرم نیست. در آنجا کلاس قرآن، تفسیر، عقاید و حتی مشاوره خانوادگی هم برگزار می‌شود. برای بچه‌ها برنامه دارند. این‌ها مثل دانشگاه‌های دینی محلی هستند».

تحلیل گفته‌های مشارکت‌کنندگان نشان می‌دهد که برای جامعه کرد فیلی، برپایی شعائر مذهبی نه یک فعالیت فقط آیینی، بلکه راهبردی فرهنگی برای حفظ هویت دینی، تقویت انسجام اجتماعی و تمایز از سایر گروه‌های قومی حتی در درون جامعه کرد عراق محسوب می‌شود. مشارکت‌کننده P38 بر این

نکته تأکید می‌کند که «برخلاف بعضی از افراد که نسبت به دین حالت عرفی دارند، فیلی‌ها دین را با تمام جزئیاتش زندگی می‌کنند. اگر بگوییم شعائر چیست، برای آن‌ها فقط محرم نیست، بلکه فرهنگ زندگی است». از این منظر، شعائر مذهبی در میان کردهای فیلی نقش یک سازوکار بازتولید هویت اسلامی-شیعی را ایفا کرده و در شرایط فشار سیاسی یا سرکوب مذهبی، به مثابه ابزاری برای مقاومت فرهنگی و هویتی عمل کرده است. تأسیس مراکز مذهبی و نهادهای دینی توسط نخبگان و روحانیون فیلی، به‌ویژه آنان که در حوزه‌های علمیه ایران تحصیل کرده‌اند، بازتابی از این انگیزه فرهنگی-اعتقادی است. مشارکت‌کننده P47 تصریح می‌کند: «طلاب فیلی که در ایران درس خوانده بودند، برمی‌گشتند و در حسینه‌ها کلاس می‌گذاشتند. همین‌ها باعث شد جوان‌های ما هم جذب شعائر شوند، هم به ایران احساس نزدیکی کنند».

۴. افزایش عمق استراتژیک و توان عملیات‌های ایذایی برای دشمن: مضمون چهارم «افزایش عمق استراتژیک و توان عملیات‌های ایذایی علیه دشمن» است که در این خصوص، نظر مصاحبه‌شوندگان شماره P19، P25، P27، P32، P41 و P44 از این قرار است: «کردهای فیلی، به واسطه موقعیت جغرافیایی خود در شرق عراق و پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی با ایران، نقش مهمی در تقویت امنیت ملی جمهوری اسلامی و افزایش عمق ژئوپلیتیکی آن در غرب کشور ایفا می‌کنند». این موقعیت خاص، به ایران امکان داده تا حضور اطلاعاتی، عملیاتی و ارتباطی خود را در عمق خاک عراق تسهیل کرده و ظرفیت‌های امنیتی، اطلاعاتی و لجستیکی خویش را ارتقاء دهد. مشارکت‌کننده P19 می‌گوید: «کردهای فیلی به‌خوبی منطقه را می‌شناسند؛ زبان مردم را بلدند، جغرافیا را می‌دانند و به ایران اعتماد دارند. در بحران‌ها، اولین کسانی که برای کمک حاضر می‌شوند، همین‌ها هستند». مضمون سازمان‌دهنده «کارکرد ژئوپلیتیکی کردهای فیلی در افزایش عمق استراتژیک» در مصاحبه‌های متعدد تکرار شده است. مشارکت‌کنندگان به توانایی‌های بومی کردهای فیلی در حوزه‌هایی چون شناخت توپوگرافی، عملیات چریکی، انتقال اطلاعات، هماهنگی محلی و پشتیبانی اجتماعی از نیروهای همسو با ایران اشاره داشته‌اند. به گفته مشارکت‌کننده P25: «در زمان جنگ تحمیلی، خیلی از کردهای فیلی از عراق فرار کردند و به ایران آمدند، بعد با سپاه

همکاری کردند. بعضی‌ها به‌عنوان راهنما یا مأمور شناسایی فعالیت می‌کردند. بدون شناخت آن‌ها، هیچ‌کدام از عملیات‌های مرزی قابل اجرا نبود. علاوه بر بُعد عملیاتی، بُعد بازدارندگی نیز به‌عنوان بخشی از نقش استراتژیک این جامعه موردتوجه قرار گرفته است. با توجه به ریشه‌های هویتی و پیوندهای تاریخی با ایران، حضور کردهای فیلی در مناطق مرزی عراق همچون یک «کمر بند نرم قدرت ایران» عمل می‌کند که در شرایط بحرانی، می‌تواند مکمل توان بازدارندگی و مهار نفوذ دشمن باشد. مشارکت‌کننده P44 این موضوع را چنین شرح می‌دهد: «وجود کردهای فیلی در دیاله و واسط، یک پشتوانه امنیتی برای ایران است. اگر مشکلی پیش بیاید، این‌ها هم نیروی محلی‌اند، هم نیروی مؤمن. چه چیزی بهتر از این؟».

یکی از مهم‌ترین ابعاد این ظرفیت، توانایی کردهای فیلی در اجرای عملیات‌های ایذایی و جنگ نامتقارن علیه دشمنان منطقه‌ای ایران است. مشارکت‌کننده P32 در این زمینه تصریح می‌کند: «کردهای فیلی در عملیات‌های پنهان، خیلی دقیق و آموزش‌دیده‌اند. بسیاری از آن‌ها از زمان جنگ ایران و عراق تجربه دارند. الان هم اگر تهدیدی از طرف گروه‌های معاند یا تروریست باشد، می‌توان از این ظرفیت بهره گرفت». در کنار این بُعد سخت، بُعد نرم این عمق استراتژیک نیز حائز اهمیت است. مشارکت‌کننده P41 بر این جنبه تأکید کرده و می‌گوید: «ارتباط فرهنگی و مذهبی فیلی‌ها با ایران، به ما این امکان را داده که نه فقط از نظر امنیتی، بلکه از نظر نفوذ نرم در شرق عراق حضور مؤثر داشته باشیم». در نهایت، مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که بهره‌برداری پایدار از این ظرفیت استراتژیک مستلزم توجه سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران به توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مناطق فیلی‌نشین عراق است. این حمایت هدفمند، علاوه بر افزایش سطح رضایت و همگرایی، پشتوانه‌ای مطمئن و ماندگار برای تحقق اهداف امنیتی ایران در منطقه ایجاد خواهد کرد. مشارکت‌کننده P27 این موضوع را چنین جمع‌بندی می‌کند: «اگر ایران به فیلی‌ها کمک کند و در توسعه مناطق آن‌ها سرمایه‌گذاری کند، این‌ها خودشان مرزبان‌اند. نیازی به لشکرکشی نیست».

۵. عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی: مضمون پنجم «عمق بخشی خارجی

انقلاب اسلامی» است که در این خصوص، نظر مصاحبه‌شوندگان شماره P17، P26، P29، P33، P36 و P41 از این قرار است: «جامعه کردهای فیلی عراق، به واسطه پیوندهای تاریخی، ایدئولوژیک و فرهنگی با جمهوری اسلامی ایران، یکی از مهم‌ترین حاملان و بازتاب‌دهندگان گفتمان انقلاب اسلامی در محیط پیرامونی ایران به‌شمار می‌آید». مضمون سازمان‌دهنده این بخش، «نقش کردهای فیلی در بازتاب و اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی» است که به باور مشارکت‌کنندگان، نه تنها در بعد سیاسی و هویتی، بلکه در بعد فرهنگی و اجتماعی نیز دارای آثار راهبردی بوده است. مشارکت‌کننده P17 در این باره تصریح می‌کند: «خیلی از کردهای فیلی از دهه شصت به بعد پیرو امام خمینی شدند. حتی در عراق مقلد ایشان بودند. بعضی از آن‌ها علیه صدام فعالیت می‌کردند و با الهام از انقلاب اسلامی گروه‌های مقاومت تشکیل دادند». همچنین، مشارکت‌کننده P29 با اشاره به نقش مرجعیت می‌گوید: «کردهای فیلی همیشه از مراجع ایران تبعیت می‌کردند. از نجف و بعد قم. برای هر کار دینی با علما مشورت می‌کردند. وجوهات می‌دادند. در زمان صدام هم در جلسات مخفی شرکت می‌کردند تا پیام انقلاب ایران را بشنوند». چنین پیوندی، از مرزهای فقهی فراتر رفته و به‌ویژه در شهرهایی چون بغداد، خانیقین، دیاله و واسط، باعث ایجاد «عمق هویتی و گفتمانی» انقلاب اسلامی شده است. مشارکت‌کننده P41 این وضعیت را چنین تبیین می‌کند: «فیلی‌ها در عراق حکم نماینده فرهنگی ایران را دارند. چون هم دین دارند، هم فارسی می‌دانند، هم به ایران علاقه دارند. خیلی از پروژه‌های فکری ایران از طریق همین شبکه‌ها جلو می‌رود».

در تبیین مضمون فوق، می‌توان چنین نتیجه گرفت که عمق بخشی خارجی انقلاب اسلامی در بستر جامعه فیلی، حاصل ترکیب سه مؤلفه کلیدی است: ریشه‌های قومی و زبانی مشترک، وابستگی مذهبی به مرجعیت شیعه در ایران، و تجربه زیسته مشترک در مقابله با دشمنان مشترک، به‌ویژه رژیم بعث. این عوامل موجب شده که شبکه‌های اجتماعی، خانوادگی و مذهبی فیلی‌ها، به کانال‌های پایدار انتقال پیام‌ها، ارزش‌ها و راهبردهای جمهوری اسلامی در محیط عراق بدل شود. چنین عمقی، علاوه بر کارکرد هویتی، در موقعیت‌های

حساس سیاسی و امنیتی، بستری برای نفوذ نرم ایران و کاهش هزینه‌های تقابل مستقیم فراهم کرده است. در واقع، استمرار ارتباط دینی، فرهنگی و سیاسی با فیلی‌ها، به معنای حفظ یک «شبکه هم‌پوشان هویت و منافع» در خارج از مرزهاست که ظرفیت بالایی برای بازدارندگی و تأثیرگذاری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند.

۶. میادین نفتی مشترک: مضمون ششم «میادین نفتی مشترک» است که در این خصوص، نظر مصاحبه‌شوندگان شماره P18، P31، P36، P40، P45 و P47 از این قرار است: «مناطق شرقی عراق که بخش مهمی از میادین نفتی مشترک با ایران را در خود جای داده، به صورت عمده محل سکونت یا نفوذ کردهای فیلی است و این موقعیت، ظرفیت ویژه‌ای برای همکاری اقتصادی و اعتمادسازی مرزی ایجاد کرده است». مضمون سازمان‌دهنده این بخش، «میادین مشترک به عنوان فرصت همکاری اقتصادی با پشته‌های قومی - فرهنگی» است. مشارکت‌کننده P31 می‌گوید: «خیلی از خانواده‌های فیلی در دو طرف مرز خانه و فامیل دارند. اگر قرارداد نفتی ببندید، فیلی‌ها بهتر از هر شرکتی آن را اجرا می‌کنند، چون مردم دو طرف را می‌شناسند و طرفین به آن‌ها اعتماد دارند». مشارکت‌کننده P40 هشدار می‌دهد: «اگر هر دو کشور منصفانه برداشت کنند، برد - برد است. اما اگر عراق با سرمایه خارجی بیشتر برداشت کند و ایران تحریم باشد، اختلاف شروع می‌شود. فیلی‌ها این وسط می‌توانند نقش داور یا تسهیل‌گر را بازی کنند». مضمون پایه دیگری نیز مطرح شد: «کارکرد اقتصادی فیلی‌ها در دور زدن تحریم‌ها و تسهیل تبادلات مالی»، که به گفته P36 چنین است: «خیلی از فیلی‌ها در ایران املاک دارند، حساب بانکی دارند. اگر دولت از آن‌ها بخواهد، می‌توانند پول نفت را از عراق بگیرند و در داخل ایران تسویه کنند».

در تبیین این مضمون می‌توان گفت که میادین نفتی مشترک در مناطق فیلی‌نشین، از یک سو ظرفیت توسعه اقتصادی و تأمین انرژی را برای دو کشور فراهم می‌آورد و از سوی دیگر، به دلیل بافت اجتماعی - فرهنگی خاص این مناطق، امکان مدیریت کم‌هزینه‌تر و امن‌تر این منابع را ایجاد می‌کند. شبکه‌های قومی فیلی‌ها، با ایفای نقش واسطه و تضمین‌کننده تعهدات، می‌توانند ریسک بی‌اعتمادی و مناقشه مرزی را کاهش دهند. این ظرفیت،

به‌ویژه در شرایط تحریم، اهمیت مضاعف دارد؛ زیرا از طریق کانال‌های غیررسمی اما مشروع، امکان تداوم جریان مالی و تجاری را فراهم می‌کند. با وجود این، بی‌توجهی به سرمایه‌گذاری داخلی و غفلت از بهره‌گیری از شرکت‌ها و نیروی انسانی فیلی، می‌تواند این فرصت را به تهدیدی بالقوه بدل کند که سرانجام باعث عقب‌ماندگی ایران در برداشت از میادین مشترک شود.

۷. دیپلماسی مردمی: مضمون هفتم «دیپلماسی مردمی» است که در این خصوص، نظر مصاحبه‌شوندگان شماره P12، P22، P28، P35 و P41 از این قرار است: «کردهای فیلی به‌عنوان یک شبکه اجتماعی - فرهنگی فراملی، نقش واسطه ارتباطی و اعتمادساز میان مردم ایران و عراق را ایفا کرده‌اند و این نقش، یکی از ابزارهای کلیدی قدرت نرم جمهوری اسلامی در منطقه بوده است». مضمون سازمان‌دهنده این بخش، «کردهای فیلی به‌عنوان کنش‌گران غیردولتی و پل ارتباطی میان ایران و جامعه عراق» است. مشارکت‌کننده P12 می‌گوید: «کردهای فیلی برای ایران مثل یک شبکه ارتباطی زنده‌اند. وقتی یک روحانی، یک هیئت یا حتی یک کاروان زائر از ایران به عراق می‌رود، خیلی وقت‌ها همین فیلی‌ها هستند که راه را باز می‌کنند، هماهنگی‌ها را انجام می‌دهند و امنیت ارتباط را برقرار می‌کنند». در مناسبت‌هایی مانند اربعین، ماه رمضان، عاشورا و اعیاد مذهبی، موکب‌ها، انجمن‌های مذهبی و شبکه‌های طلاب فیلی، پیوندهای مردمی دو کشور را تعمیق کرده‌اند. مشارکت‌کننده P35 می‌گوید: «موکب‌های فیلی در بغداد، دیاله و بدره با موکب‌های ایلام و خوزستان همکاری می‌کنند ... این همکاری فقط غذا دادن نیست؛ تبادل فرهنگی، مذهبی و تبلیغی است».

در تبیین این مضمون، می‌توان گفت که دیپلماسی مردمی فیلی‌ها ترکیبی از کنش‌های مذهبی، فرهنگی، رسانه‌ای و اقتصادی است که در بستر اعتماد قومی و مذهبی شکل گرفته است. پخش برنامه‌های شبکه‌های استانی ایران در میان فیلی‌ها (به‌ویژه شبکه ایلام) و ترجمه متون ایرانی برای مخاطبان عراقی، بخشی از این تعامل است. مشارکت‌کننده P28 تأکید می‌کند: «فیلی‌ها اخبار ایران را از تلویزیون‌های محلی ایران می‌گیرند ... این حس تعلق دوطرفه ایجاد می‌شود». فعالیت‌هایی چون آموزش زبان فارسی، تبلیغ تشیع و برگزاری کلاس‌های قرآنی نیز به گسترش این پیوند کمک کرده است. مشارکت‌کننده

P22 می‌گوید: «کتاب‌هایی که از ایران می‌آید را برای بچه‌ها به کردی یا عربی ترجمه می‌کنیم ... هم مفاهیم انقلاب را یاد می‌گیرند، هم با زبان ایرانی‌ها آشنا می‌شوند». در بعد اقتصادی نیز، اعتماد فرهنگی به فیلی‌ها موجب شده که روابط تجاری مرزی پایداری بیشتری داشته باشد؛ همان‌طور که P41 خاطر نشان می‌کند: «وقتی بدانند طرف معامله‌شان فیلی است، بیشتر اعتماد می‌کنند... همین باعث شده تجارت با فیلی‌ها کمتر دچار مشکل شود».

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که همگرایی کردهای فیلی عراق با جمهوری اسلامی ایران نه تنها یک واقعیت عینی در سطح فرهنگی و تاریخی است، بلکه به عنوان یک ظرفیت راهبردی چندسطحی، واجد قابلیت‌هایی برای بسط نفوذ نرم، تقویت عمق استراتژیک، و مدیریت تعارض در منطقه‌ی مرزی میان دو کشور محسوب می‌شود. این همگرایی، برخلاف برداشت‌های سنتی که اقوام مرزنشین را تنها از منظر تهدید امنیتی نگریسته‌اند، مبتنی بر نوعی درهم‌تنیدگی تاریخی، اعتقادی، سیاسی و جغرافیایی است که در بستر آن، جامعه فیلی در موقعیتی بین‌المللی به یکی از ابزارهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بدل شده است.

نخستین لایه از این همگرایی، در اشاعه ایدئولوژی انقلاب اسلامی بازتاب یافته است. کردهای فیلی به‌ویژه در دهه‌های ابتدایی پس از انقلاب، تحت تأثیر آموزه‌های گفتمان مقاومت، عدالت‌خواهی، ولایت‌فقیه و نفی استکبار قرار گرفتند و نخبگان این قوم با ترجمه، ترویج و تبیین این مفاهیم در حوزه عمومی عراق، نقشی بی‌بدیل در تسری مفاهیم انقلاب ایفا کردند. همان‌گونه که در مطالعات مقدم و بصیرت‌منش و نیز تحقیق شعبان (۲۰۲۳) نیز اشاره شده، بازتاب افکار انقلاب اسلامی در میان گروه‌های حاشیه‌ای عراق، از جمله کردهای شیعه فیلی، نه تنها به مقاومت سیاسی علیه رژیم بعث انجامید، بلکه موجب تشکیل شبکه‌های فرهنگی و اعتقادی همسو با ایران شد. یافته‌های این پژوهش نیز با تأکید بر همین موضوع نشان داد که بخش بزرگی از سرکوب‌های رژیم صدام علیه کردهای فیلی، ناشی از نگرانی او نسبت به نفوذ گفتمان

انقلاب در این طبقه بوده است. همین پیوند گفتمانی، زیرساختی برای همگرایی ساختاری و سیاسی فراهم کرده که در سیاست‌گذاری منطقه‌ای ایران قابل بهره‌برداری است. لایه دوم این همگرایی در بستر ترویج و تقویت شعائر و معارف تشیع شکل می‌گیرد. برخلاف سایر اقوام کرد که به‌صورت عمده سنی‌مذهب هستند، کردهای فیلی از ابتدا به تشیع اثنی‌عشری گرایش داشته‌اند و همین تمایز، آنان را از نظر مذهبی در منظومه فکری جمهوری اسلامی ایران جای داده است. حضور فعال آنان در مناسک شیعی، تأسیس حسینیه‌ها و تکایا، تربیت نخبگان دینی، پرداخت وجوهات شرعی به مراجع ایرانی و همچنین مشارکت در آیین‌های اربعین و عاشورا، شواهدی از این همبستگی اعتقادی است. در مطالعات عبدالحسین شعبان، مرادی و نیز رنجبر و همکاران نیز بر این موضوع تأکید شده که کردهای فیلی با بهره‌گیری از پیوند دینی خود با مرجعیت شیعه، زمینه نفوذ دینی جمهوری اسلامی را در مناطق شرقی عراق تسهیل کرده‌اند. یافته‌های حاضر نیز نشان می‌دهد که این گروه نه تنها مخاطب معنوی ایران است، بلکه از نظر کارکردی نیز به‌عنوان عامل تقویت جایگاه فرهنگی ایران در رقابت مذهبی با سایر کشورهای منطقه عمل می‌کند. لذا تداوم و تقویت این بستر از طریق حمایت از حوزه‌های علمیه، تبادل طلاب، برگزاری مناسبات دینی مشترک و پشتیبانی از نهادهای مذهبی فیلی، ضرورتی انکارناپذیر برای حفظ پیوستگی معنوی با این جامعه است.

وجه سوم این همگرایی در اشاعه و بازتولید هویت اسلامی - شیعی از طریق شعائر مذهبی تجلی می‌یابد. کردهای فیلی با حضور پررنگ در آیین‌های دینی، انتقال سنت‌های عزاداری، ترویج مفاهیم حسینی، و بازتولید مناسک آیینی در نسل جدید، نه تنها هویت خود را حفظ کرده‌اند، بلکه آن را به ابزار مقاومتی در برابر جریان‌های سلفی، قوم‌گرایانه یا غرب‌گرایانه تبدیل کرده‌اند. این نقش که در پژوهش‌هایی مانند مولایی و کاظمی نیز اشاره شده، به‌ویژه در مناطق مرزی عراق، عاملی برای شکل‌گیری هویت دینی - سیاسی مشترک میان آنان و شیعیان ایرانی شده است. بنابراین، برای حفظ این پیوستگی، پیشنهاد می‌شود نهادهای فرهنگی ایران، تولیدات آیینی کردی - فارسی،

آموزش ادبیات دینی به زبان فیلی و حمایت از آیین‌های مشترک را به‌عنوان ابزاری در خدمت پیوست فرهنگی مد نظر قرار دهند. هم‌زمان، این تحقیق نشان داد که کردهای فیلی تنها در سطوح نرم فعال نیستند، بلکه در بُعد ژئوپلیتیکی و امنیتی نیز عنصری راهبردی‌اند. موقعیت جغرافیایی آنان در مرزهای شرقی عراق، تسلطشان بر جغرافیای محلی، توانمندی در جنگ‌های چریکی و اطلاعات بومی، باعث شده است که در مواقع حساس - از جمله جنگ ایران و عراق، بحران تروریسم داعش یا مبارزه با قاچاق - به‌عنوان بازوی اطلاعاتی و عملیاتی جمهوری اسلامی ایفای نقش کنند. یافته‌های پژوهش با مطالعات تیلا، غلامی و آذوق تطابق دارد که کردهای فیلی را به‌عنوان «نیروی هم‌سو» در مقابله با تهدیدات منطقه‌ای توصیف کرده‌اند. بنابراین، بهره‌گیری از این ظرفیت، نیازمند طراحی ساختارهای رسمی مشارکت، آموزش‌های تخصصی، بهره‌گیری از نخبگان فیلی در نهادهای امنیتی عراق، و ارتباط سازمان‌یافته با سپهر دفاعی ایران است تا بتوان این ظرفیت راهبردی را به صورت بلندمدت حفظ و تقویت کرد.

در امتداد همین لایه راهبردی، یافته‌ها نشان داد که کردهای فیلی در تقویت دیپلماسی مردمی جمهوری اسلامی نقشی کلیدی دارند. چه در قالب ارتباطات فرهنگی - مذهبی در مراسم‌های اربعین، چه در تولید رسانه‌ای، چه در شبکه‌های آموزشی و چه از مسیر فعالیت‌های اقتصادی مرزی، آنان به‌عنوان بازیگرانی غیررسمی اما مؤثر، بستر انتقال پیام فرهنگی ایران به درون جامعه عراق را فراهم کرده‌اند. در ادبیات روابط بین‌الملل، این نوع کنش‌گری به‌عنوان مؤلفه‌ای از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی تلقی می‌شود. یافته‌های تحقیق با مفاهیم دیپلماسی شبکه‌ای و قدرت نمادین هم‌راستا است. از این منظر، جمهوری اسلامی ایران باید با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فرهنگی، رسانه‌ای و آموزشی در مناطق فیلی‌نشین عراق، شبکه‌ای از کنش‌گران فرهنگی دوزبانه و مذهبی را فعال و حمایت کند. نکته قابل توجه دیگر، کارکرد اقتصادی کردهای فیلی در رابطه با میادین نفتی مشترک و رفع تحریم‌های مالی است. یافته‌ها نشان داد که بخش قابل توجهی از منابع نفتی مشترک ایران و عراق در

مناطق تحت نفوذ فیلی‌ها قرار دارد. همچنین، وجود روابط خویشاوندی، آشنایی‌های مرزی، و سرمایه اجتماعی آنان، به ابزاری برای تضمین تعاملات تجاری، پیشگیری از فساد مالی و مدیریت تعارضات نفتی تبدیل شده است. بر اساس شواهدی از غلامی، شفيعی و متقی، جامعه فیلی می‌تواند به‌عنوان میانجی مورد اعتماد در پروژه‌های مشترک بهره‌برداری، مبادله مالی، و حل‌وفصل اختلافات در حوزه انرژی ایفای نقش کند. این ظرفیت نیازمند رسمیت بخشی از طریق تدوین مکانیسم‌های مالی مشترک، ایجاد نهادهای داوری بومی، و حمایت از سرمایه‌گذاران فیلی در حوزه نفت و گاز است.

در مجموع، همگرایی کردهای فیلی با جمهوری اسلامی ایران، فقط یک وابستگی فرهنگی یا مذهبی نیست، بلکه سامانه‌ای پیچیده، ترکیبی و چندبعدی است که می‌تواند به‌عنوان الگویی راهبردی برای تعامل با جوامع مرزی و پیرامونی تلقی شود. این الگو، اگر به‌درستی طراحی، نهادینه و حمایت شود، قادر است به یکی از بازوهای راهبردی جمهوری اسلامی در تثبیت امنیت منطقه‌ای، افزایش نفوذ نرم و توسعه همکاری‌های فراملی بدل شود. پیشنهاد می‌شود که جمهوری اسلامی ایران با عبور از نگاه‌های سنتی و ناپیوسته، یک «راهبرد جامع همگرایی قومی فرامرزی» با محوریت جامعه فیلی طراحی کند که دربرگیرنده ابعاد فرهنگی، مذهبی، امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک باشد؛ تنها در چنین صورتی است که ظرفیت‌های نهفته این جامعه می‌تواند به نقطه اتکایی در سیاست خارجی و امنیت ملی ایران در عراق و خاورمیانه تبدیل شود.

سپاسگزاری

این پژوهش حاصل تلاش، همراهی و حمایت جمعی از افراد و نهادهایی است که بدون همکاری آنان، انجام این تحقیق ممکن نبود. برخود لازم می‌دانم از تمامی نخبگان، متخصصان و مشارکت‌کنندگانی که با صبر، دقت و حسن نیت در مصاحبه‌ها شرکت کرده و تجربیات ارزشمند خود را در اختیار این‌جانب قرار دادند، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم. همچنین از اساتید راهنما و مشاور که با راهنمایی‌های علمی و نقدهای سازنده خود مسیر این پژوهش را روشن ساختند، سپاسگزارم. قدردانی ویژه نیز از نهادهای علمی، فرهنگی و امنیتی

مرتبط، به‌ویژه مراکز مطالعات منطقه‌ای، به‌عمل می‌آید که با ارائه منابع و حمایت‌های لجستیکی، بستر اجرای این تحقیق را فراهم کردند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- عقابی، توفیق، رنجبر، ایرج، فتاحی، شهرام، محبی، سیروس و حیدری، نصرت الله. (۱۴۰۲). رسانه (شبکه استانی ایلام) و برساخت هویت کردهای فیلی عراق و نقش آن در امنیت ملی ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۳(۵۲)، ۵۴۶-۵۶۵. doi: 10.22034/jgeoq.2024.215549.2283
- رنجبر، ایرج، عقابی، توفیق، فتاحی، شهرام، محبی، سیروس و حیدری، نصرت الله. (۱۴۰۲). تبیین ژئوپلیتیک نقش رسانه در برساختن هویت کردهای فیلی عراق با ایران و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۱۳(۵۱)، ۱۳۲-۱۵۱. doi: 10.22034/jgeoq.2023.288703.3108
- مولایی، علی، زرگر، علیرضا، کرم زاده، اسماعیل، سمیعانی، محمد و دوستدار، رضا. (۱۴۰۱). کردهای فیلی عراق و محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران. امنیت ملی، ۱۲(۴۶)، ۱۷۵-۲۰۲. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.33292538.1401.12.46.6.1>
- مرادی مقدم، مراد و بصیرت‌منش، حمید. (۱۳۹۹). بررسی عوامل مؤثر در مسئله‌مند شدن وضعیت تابعیت کردهای فیلی عراق در یکصد سال اخیر. تاریخ اسلام و ایران، ۳۰(۴۵)، ۱۵۱-۱۷۵. doi: 10.22051/hii.2020.24964.1954
- مرادی مقدم، مراد و بصیرت‌منش، حمید. (۱۳۹۸). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کردهای فیلی شیعه عراق. پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۹(۳۱)، ۱-۱۹. doi: 10.22084/rjir.2019.17628.2562
- اخوان کاظمی، مسعود و عزیزی، پروانه. (۱۳۹۷). تحلیلی از وضعیت کردهای شیعه فیلی در عراق. فصلنامه علمی شیعه‌شناسی، ۱۶(۶۱)، ۵۷-۸۰. https://www.shiitestudies.com/article_35772.html
- شعبان، عبدالحسین. (۲۰۲۳). الكرد الفیلیون إشکالیة المواطنة والجنسية فی ضوء القانونین العراقی والدولی. قضایا سیاسیة، ۷۳، ۱-۲۳. <https://doi.org/10.58298/732023384>
- Nugroho, G. (2008). Constructivism and international relations theories. *Global & Strategis*, 2(1), 85-98. <https://consensus.app/papers/constructivism-and-international-relations-theories-nugroho/7c343cb4b2c65f4ab931ea8ccc2eba7e>
- Me, L. (2010). Study on Constructivism of International Relation Theory. *Innovation-the European Journal of Social Science Research*. <https://consensus.app/papers/study-on-constructivism-of-international-relation-theory-me/6848ea96420e5139a37e56e61e9dfb67>
- Hopf, T. (1998). The promise of constructivism in international relations theory. *International security*, 23(1), 171-200. <https://doi.org/10.1162/isec.23.1.171>
- Faraj, A., & Othman, T. (2019). Constructivism in International Relations: from a theory between positivism and postpositivism to the theory of the world state.

Journal of University of Human Development.
<https://doi.org/10.21928/JUHD.V5N1Y2019.PP1-16>.

- Brunnée, J., & Toope, S. (2012). Constructivism and International Law. , 119-145. <https://doi.org/10.1017/CBO9781139107310.007>.
- Charskykh, I. (2022). Incorporated by the Mainstream: Constructivism in the Theory of International Relations. Mediaforum : Analytics, Forecasts, Information Management. <https://doi.org/10.31861/mediaforum.2022.11.57-76>.
- Tong, Z. (2005). Sino-US relations from the perspective of constructivism. Journal of Hebei Institute of Technology. <https://consensus.app/papers/sinuous-relations-from-the-perspective-of-constructivism-tong/a4ed362065995c17b27e4cfa40c90c33>
- Ji, X. (2002). The Structural View of Constructivism. Journal of F.a.c. <https://consensus.app/papers/the-structural-view-of-constructivism-ji/20abcdbdec4d533685da240b9a3d84f9>

